

اجتماع محصور

آسیب‌شناسی فضایی

و اجتماعی زندگی شهری نوین

نویسنده: شارلوت لمانسکی
مترجم: جعفر آقابرارنیا گودرزی

دقت و تحت نظارت و کنترل محدود شده‌اند. آن‌ها و مهمان‌هایشان کاملاً محفوظ شده‌اند و هیچ دسترسی برای مهمان‌های ناخوانده وجود ندارد. در واقع، این اصطلاح برای طیف گسترده‌ای از راهبردهای سرزمینی به کار گرفته می‌شود. این مکان‌ها املاکی هستند با امنیت کامل (مسکونی یا تجاری) با حصار بلند الکتریکی و نیروهای امنیتی که به‌طور دائم در حال گشت‌زنی هستند. گاهی مدرسه‌ها، فروشگاه‌ها، قطعه زمین‌های بزرگ و بلوک‌های آپارتمانی، با سیستم ورودی رمزدار و شامل هر آنچه بین آن‌ها جای دارد، در این محوطه حفاظت شده، قرار می‌گیرند.

بررسی‌های جدید در مورد اجتماع محصور، بر تعاریفی بر پایه سازوکارهای ناظر خصوصی و جمعی که این فضاها را کنترل می‌کنند، تأکید دارند، نه بر حضور فیزیکی خود حصارها و دیوارها. با این حال، اکثر مفسران تصویری که از فرم مجتمع محصور دارند، مجموعه‌ای از خانه‌های مسکونی است که با دیوارها و گونه‌ای از امنیت خصوصی محافظت شده‌اند (گرچه این‌ها به ناچار بر سازوکارهای نظارت جمعی نیز تکیه می‌کنند؛ مانند جوامع صاحب‌خانه).

افزایش جهانی اجتماع محصور

دلیل افزایش اجتماع محصور، با توجه به شرایط محلی و منطقه‌ای، به میزان قابل توجهی متفاوت است، اما عواملی چون

اشاره

در ۳۰ سال اخیر فضاهای خصوصی به‌طور چشمگیری در روند شهری غالب شده‌اند. از لس آنجلس تا ریودوژانیرو و ژوهانسبورگ، حفاظت و تأمین امنیت مناطق مسکونی، تجاری و اداری، با الگوی فضای نظامی، نرده‌های الکتریکی، دیوارهای غیرقابل نفوذ و نگهبانان مسلح، در برابر جهان پرخطر بیرون گسترده شده است. اصطلاح «اجتماع محصور»^۱ به‌طور هم‌زمان، هم در مباحث دانشگاهی و سیاسی، و هم در گفتمان عامه‌پسند، برای توصیف و نقد روند شهری به‌کار می‌رود، اگرچه ریشه‌های تاریخی و تنوع منطقه‌ای این پدیده، قدیمی‌تر و گسترده‌تر از اصطلاح آمریکایی آن به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: اجتماع محصور، گسترش اجتماع محصور، امنیت خصوصی

تعریف‌ها

اجتماع محصور به‌طور سنتی با ویژگی فیزیکی‌اش تعریف شده است: فضای احاطه شده به وسیله حصار (برای مثال نرده‌های الکتریکی و دیوار)، ابزار نظارتی (برای مثال دوربین مداربسته و گشت‌های امنیتی)، و کنترل دسترسی (برای مثال «بوم‌گیت»^۲، محافظ «گیت‌هوس»^۳). به عبارت دیگر، ساکنان اجتماع محصور، با

افزایش جرائم خشونت‌آمیز و کاهش اطمینان به امنیت عمومی توجیه‌هایی منطقی محسوب می‌شوند. رشد جهانی اجتماع محصور غالباً به‌عنوان روندی کاملاً آمریکایی تلقی شده است. طبقه متوسط آمریکایی ساکن برون‌بوم‌های حومه شهرها و محله‌های قومی امن شهری در شهرهای کوچک، عامل گسترش این روند به سایر نقاط دنیا شده‌اند. با این حال، مفهوم و عملکرد شهر محصور دارای سابقه‌ای بسیار طولانی‌تر و گسترده‌تر، و موضوع تغییرات منطقه‌ای است. مثلاً در قرون وسطا به دور همه شهرها دیوار کشیده شد (گرچه در پی صنعتی شدن اروپا در قرن نوزدهم، ثروتمندان فرصت طلب به‌طور روزافزون مراکز شهرهای مخروبه را ترک کردند و مناطق مسکونی خصوصی حاشیه شهری را ترجیح دادند). یا نمونه تاریخی محله یهودی‌نشین ونیزی در قرن شانزدهم، یا مورد دیگر در قرن سیزدهم در منطقه «بگینژ» فرانسه، شهری در اروپا که مفهوم محرومیت اجتماعی را از طریق موانع فیزیکی اجتماع محصور اثبات می‌کند، از آن جمله‌اند.

در دوران معاصر، اجتماع محصور به‌طور سریع در ایالات متحده و آمریکای لاتین گسترده می‌شود. چنین اجتماعی نه تنها به‌عنوان صادرات آمریکایی، بلکه در پاسخ به ویژگی‌های محلی (برای مثال، جرم و جنایت بالا و نابرابری در آفریقای جنوبی و برزیل)، و در مناطق و کشورهایی با فرهنگ‌های گوناگون و تاریخ شهری، مانند جهان عرب، استرالیا، کارائیب، شرق و غرب اروپا، چین، نیوزیلند، روسیه، جنوب آفریقا و جنوب شرقی آسیا شکل می‌گیرد.

اجتماع محصور در حومه لس آنجلس

گسترش اجتماع محصور در سراسر جهان با افزایش متن‌های تبیینی در این خصوص و بررسی اجتماعات مزبور همراه بوده است. ادوارد جی بلیکی^۵ و مری گیل اشنایدر^۶ در کتاب «قلعه آمریکا»^۷ به‌طور گسترده‌ای متن‌های کلاسیک را بررسی کردند. آن‌ها با این کتاب تحلیل افزایش اجتماع محصور مدرن در ایالات متحده را به برنامه ضروری دانشگاهی و سیاسی در اواخر دهه ۱۹۹۰ تبدیل کردند. با تکیه بر این اثر، «سیتالو»^۸ و «ترزاکالدیرا»^۹ که هر دو انسان‌شناس هستند، اخیراً با تمرکز بر آمریکا و برزیل (به ترتیب)، به واقعیت زندگی «در داخل حصار» و همچنین پیامدهای آن برای کسانی که در این مطالعه نبودند، پرداختند. اجتماع محصور تا حدودی با ساخت‌وساز و صنایع امنیتی گسترش جهانی می‌یابد. آن‌ها مدعی‌اند، گسترش عمومی گفتمان ترس و خطرات ناشی از زندگی شهری، از طریق محیط امن اجتماع

محصور قابل اصلاح است. علاوه بر این، چنین جامعه‌ای غالباً توسط شهرداری‌های محلی ترویج می‌شود که مشتاق جذب مالیات‌دهندگانی با نرخ بالا هستند؛ به‌خصوص کسانی که کم‌وبیش خدمات عمومی صرف آن‌ها می‌شود.

ساکنان اجتماع محصور تصمیم خود را برای نقل مکان به جامعه محصور، عمدتاً در تمایل برای افزایش امنیت در زمینه خروج دولت نئولیبرال توجیه می‌کنند. یعنی اتکا به دولت و اجرای امنیت عمومی توسط آن را بی‌اثر و برخی کارکنان دولتی را فاسد می‌دانند. تمایل برای امنیت نیازی منحصراً فیزیکی برای حفاظت در برابر جرم و جنایت نیست، بلکه، به همان اندازه اقتصادی و یک سرمایه‌گذاری امن است. در واقع، اجتماع محصور براساس سبک‌های زندگی مختلف شکل می‌گیرد. برای مثال، ساکنان اجتماع محصور سبک زندگی خود را در شرایط یک فرد روستایی در منظره‌ای از زندگی روستایی توصیف می‌کنند. یعنی برگشت به دوران گذشته که کودکان می‌توانستند بیرون از خانه بازی کنند و درهای خانه‌ها باز بودند؛ یک شیوه زندگی که در کلان‌شهرهای معاصر دیگر امکان‌پذیر نیست، اما در نهایت با موفقیت درون یک اجتماع محصور می‌تواند ایجاد شود؛ البته متکی به دیوار و امنیت خصوصی. به عبارت دیگر، خانواده‌ها می‌توانند در کنار خدمات شهری اقامت کنند (مانند مدرسه‌های خوب، مراکز خرید و فرصت‌های شغلی) و واقعیت‌های نه‌چندان مطلوبی مانند جرم و ناامنی عمومی را از خود دور کنند، بدون اینکه در یک منطقه روستایی دورافتاده مستقر باشند.

از این رو جالب است که ترزا کالدیرا، در گفتمان «خودی/ غیرخودی» براساس پژوهشی در «سانوپائولو» به این نتیجه دست یافت که اقامت در اجتماع محصور، در واقع موجب افزایش ترس از جرم در میان افراد داخل حصار می‌شود. تأثیر دائمی جرم و احساس ناامنی در «بیرون حصار» با ترکیب الگوی جریان‌های بومی، ترس ناشی از زندگی در بیرون از حصار را افزایش می‌دهد. با وجود به رسمیت شناختن گسترده ساکنان طرفدار اجتماع محصور برای رفع نیاز مسکن، خصوصی کردن فیزیکی، مالی و امنیت شیوه زندگی، حائز اهمیت است و بر نبود یک تجربه منحصربه‌فرد و یکسان از شرایط محصور در سراسر جهان تأکید می‌شود.

پیامدهای این امر بر شهر و جامعه

اگرچه اجتماع محصور توسط ساکنان، توسعه‌گران و بنگاه‌های معاملات ملکی برای ارائه فضاهای خانوادگی امن و سرمایه‌گذاری

اقتصادی امن ستوده شده است، اما آن‌ها بازخوردهایی منفی از دانشگاهیان و رسانه‌ها دریافت کرده‌اند که اجتماع محصور را همچون قلعه‌های خصوصی می‌نگرند که سرزندگی و پویایی شهر را از طریق انحصارطلبی از بین برده‌اند. تعداد کمی از محققان اجتماع محصور را با برجسته ساختن این موضوع پذیرفته‌اند که نقش آن‌ها در حفظ گروه‌های در معرض تهدید از سوی تنش‌های قومی و ایجاد اشتغال و خدمات برای جوامع فقیر مجاور چشمگیر است. با این حال، در حال حاضر اجتماع محصور به‌عنوان دامنه مشکل‌ساز شهری تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

نقل مکان به اجتماع محصور می‌تواند تصمیمی عقلانی و فردی باشد، به‌خصوص هنگامی که جرم‌های خشونت‌آمیز شدید در دولت بدون اقتدار، انبوهی از پیامدهای مخرب را برای بقیه جامعه و شهرها ایجاد می‌کند. در پیشینه موضوع بر دو پیامد منفی مهم تأکید شده است: محرومیت افراد و قطعه قطعه شدن شهرها. جمعیت اکثر اجتماع‌های محصور (در ایالات متحده و جاهای دیگر) شامل ساکنانی با درآمد بالاست. بنابراین اجتماع محصور زندان ثروتمندان در فضاهای کاملاً انحصاری است. در نتیجه این فضاها فقط در دسترس اقلیتی با امکانات مالی مناسب است؛ فضاهایی که اغلب آن‌ها قبلاً دولتی بوده‌اند و حالا به بخش خصوصی واگذار شده‌اند. همین محدود کردن آزادی رفت‌وآمد در شهرها، موجب گسترش دو قطبی شدن جامعه با حذف توده‌های ناشناخته «دیگران» یا «آن‌ها»، از فضاهای امن «ما» شده است. اگرچه ساکنان اجتماع محصور تمایلی مشابه ساکنان جوامع مجاور دارند (در نتیجه قیمت خانه و تعهد محدود)، اما غالباً با خارج از دیوار تعامل محدودی دارند و جدایی فضاهای به ناچار درهم‌تنیده شده، موجب محرومیت اجتماعی‌شان می‌شود.

علاوه بر این، اجتماع محصور به دلیل تجزیه فیزیکی شهرها به یک سلسله قلعه‌های خصوصی برای افراد فرصت‌طلب، مورد انتقاد واقع شده است که در نهایت در آینده موجب افزایش محرومیت و تبعیض شهری می‌شوند. در این ناکجاآبادهای قریبالوقوع شهری به‌عنوان یک مجموعه قلعه‌های امن، ثروتمندان از یک فضای خصوصی به فضای خصوصی دیگری مانور می‌دهند، عملکردی بدون تعامل فیزیکی، اجتماعی، و یا مدنی با جهان خطرناک بیرون دارند و جمعیتی محروم از بدنه (دیگر بخش‌های) جامعه محسوب می‌شوند. بدون اغراق، تأثیر اجتماع محصور در قطع جریان ترافیک و نقش اجتناب‌ناپذیر آن در از بین بردن جرم نسبت به مناطق غیرمحصور اهمیت دارد.

یک مفهوم دیگر، آنچه در پیشینه موضوع کمتر به آن توجه می‌شود، خروج سیاسی ساکنان اجتماع محصور است. اجتماعات محصور نشان‌دهنده شکلی افراطی از عقب‌نشینی شهروندان در عصر جهانی نسبت به خروج از دولت نئولیبرال است. در این

زمینه، بخش خصوصی به‌عنوان ارائه‌دهنده خدمات غالب، در کنار خصوصی‌سازی در حال توسعه فضا در شهرهای کوچک معاصر ظاهر شده است. ساکنان اجتماع محصور نمونه‌های افزوده شده بر این روند هستند. چرا که آن‌ها در برخی از موارد به‌طور کامل به خدمات خصوصی و اختیاری وابسته‌اند و در پی آن بی‌اعتمادی آن‌ها به دولت بیشتر می‌شود. در نتیجه، آن‌ها تمایل کمتری به تسلیم شدن در برابر دولت در دیگر جنبه‌های زندگی روزمره نشان می‌دهند. بنابراین، در یک مقیاس بزرگ‌تر، اجتماع محصور در به چالش کشیدن بنیان جامعه مدرن در جایگاهی مستقل نقش دارد. پژوهشی در آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که اولویت برای زندگی در اجتماع محصور تنها یک تصمیم مسکونی و یا مبتنی بر امنیت نیست، بلکه تمایل به قطع ارتباط با مشارکت مدنی و پرهیز از مسئولیت‌های جامعه مدنی را نیز نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، محصور بودن فراتر از تکه تکه شدن فیزیکی شهر یا محرومیت اجتماعی شهروندان است و می‌تواند نمایانگر جدایی مطلق برخی از ساکنان از جامعه مدنی هم تلقی شود. افراد ساکن اجتماع محصور اساساً قدرت بازارمحور خود را به‌عنوان صاحبان اموال خصوصی اداره می‌کنند و در نتیجه تعاملی مبتنی بر یک شهروند با دولت، به‌عنوان بخشی از جامعه مدنی را نمی‌پذیرند. به‌عنوان یک تعبیر سخت‌گیرانه، اجتماع محصور برای ساکنان آن نتیجه واقعیتهای همچون تافتة جدا بافته و محبوس در خویش‌ستن است.

پی‌نوشت‌ها

1. «Gated Community» در ترجمه‌های دیگر از اصطلاح «مجموعه‌های محصور»، «مجموعه‌های دروازه‌ای» هم استفاده شده است.
2. boom-gate
3. gatehouse
4. béguinages
5. Edward J. Blakely
6. Mary Gail Snyder
7. Fortness America
8. Setha Low
9. Teresa Caldeira

منابع

1. Blakely, Edward J. and Mary G. Snyder. 1997. *Fortress America: Gated Communities in the United States*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
2. Caldeira, Teresa P. R. 2000. *City of Walls: Crime, Segregation, and Citizenship in Sao Paulo*. Berkeley: University of California Press.
3. Davis, Mike. 1990. *City of Quartz: Excavating the Future in Los Angeles*. London: Verso.
4. Glasze, Georg, Chris J. Webster, and Klaus Frantz. 2006. *Private Cities: Global and Local Perspectives*. London: Routledge.
5. Le Goix, Renaud Chirs Webster. "Gated Communities". *Geography Compass* vol. 2 (no. 4) 2008 pp.
6. Low, Setha. 2003. *Behind the Gates: Life, Security, and the Pursuit of Happiness and Fortress America*. London: Routledge.